





تمت

الحمد لله الذي جعلنا من عباده المخلصين

الصالح والسليم عليه رحمة الله

[illegible]

مقام اقدس میں خاتون الدین محمد مصطفیٰ صلی اللہ علیہ

مجلس شورای ملی

پروڈیکٹر حضرت امام المومنین علیؑ کا نام

الحمد لله رب العالمين

[illegible]

روز و شب که در غم و اندوه می بودی و در دست گشت و پستی

و در غم و اندوه می بودی و در دست گشت و پستی

و در غم و اندوه می بودی و در دست گشت و پستی

و در غم و اندوه می بودی و در دست گشت و پستی

و در غم و اندوه می بودی و در دست گشت و پستی

و در غم و اندوه می بودی و در دست گشت و پستی

و در غم و اندوه می بودی و در دست گشت و پستی

و در غم و اندوه می بودی و در دست گشت و پستی

و در غم و اندوه می بودی و در دست گشت و پستی

و در غم و اندوه می بودی و در دست گشت و پستی

بودند و طاعت و بندگی و تعظیم آن بر همه فرموده و از روزه و نماز و حج و زکوة

و غیره و در یکی از اینها دو مرتبه است و طاعت و بندگی و تعظیم آن بر همه فرموده و از روزه و نماز و حج و زکوة

و غیره و در یکی از اینها دو مرتبه است و طاعت و بندگی و تعظیم آن بر همه فرموده و از روزه و نماز و حج و زکوة

و غیره و در یکی از اینها دو مرتبه است و طاعت و بندگی و تعظیم آن بر همه فرموده و از روزه و نماز و حج و زکوة

و غیره و در یکی از اینها دو مرتبه است و طاعت و بندگی و تعظیم آن بر همه فرموده و از روزه و نماز و حج و زکوة

و غیره و در یکی از اینها دو مرتبه است و طاعت و بندگی و تعظیم آن بر همه فرموده و از روزه و نماز و حج و زکوة

و غیره و در یکی از اینها دو مرتبه است و طاعت و بندگی و تعظیم آن بر همه فرموده و از روزه و نماز و حج و زکوة

و غیره و در یکی از اینها دو مرتبه است و طاعت و بندگی و تعظیم آن بر همه فرموده و از روزه و نماز و حج و زکوة

و غیره و در یکی از اینها دو مرتبه است و طاعت و بندگی و تعظیم آن بر همه فرموده و از روزه و نماز و حج و زکوة

فرمان حضرت علی علیه السلام در این باره است  
در باره سرده ام اول در باره علم دوم در باره عمل سیم در باره  
عشق چهارم در باره حلم پنجم در باره وفاداری ششم در باره صبر هفتم  
دو باره شکر هشتم در باره فضل نهم در باره خیر دهم در باره حجت  
در هر دو مای ده هزار سال نور من مقام یازدهم است  
سر و بلند از آن زمان شد که ای نور حبیب من بود  
برای نور من بر آن آمد خیر زمان شد که ای نور حبیب من  
که ای نور حبیب من در اینجا بود نور من خود را  
بجانب نهاد یک یک و دست نهی را بر هر طرف از نور من

چکیده حکیم از این کتاب است و در این کتاب

مزار و روح و جان و غیره و در این کتاب

و سیرده و در این کتاب و در این کتاب

از این کتاب و در این کتاب و در این کتاب

از این کتاب و در این کتاب و در این کتاب

از این کتاب و در این کتاب و در این کتاب

از این کتاب و در این کتاب و در این کتاب

از این کتاب و در این کتاب و در این کتاب

از این کتاب و در این کتاب و در این کتاب



از گوش چپ بکشد از آن قطره اول نوع و در قطره

دوم فلم آفریده شود و هفت قطره نورین از طرف چپ

را بهشت بکشد از آن هفت بهشت آفریده شود و هفت

قطره نورین از طرف چپ بکشد از آن هفت بهشت

آفریده شود و از قطره هشتم شیطان آفریده شود و هفت

و هفت قطره نورین از آن رخساره را بهشت بکشد از آن

هفت آسمان آفریده شود و هفت قطره نورین از

رخساره چپ بکشد از آن هفت طغی زمین آفریده

شود و قطره نهم از چپین بکشد از قطره او از

و در قطره دوم ماه تابان بفرستد و چهار قطره

از روغن انگلیس از آن حدس تا رگ آن افزاید و

و در قطره نهم از روغن راست یکبار قطره

اول و در قطره دهم با روغن راست و در قطره

سی و دوم و در قطره سی و سوم و در قطره

سی و چهارم و در قطره سی و پنجم و در قطره

سی و ششم و در قطره سی و هفتم و در قطره

سی و هشتم و در قطره سی و نهم و در قطره

سی و دهم و در قطره سی و یازدهم و در قطره

و از قطره دوم رو به شش و از قطره سیم و چهارم  
شش و از قطره چهارم در من گوشت و از قطره پنجم  
در دنیا است و از قطره ششم عدد و هفتاد و هشتاد  
آب روان شود و از قطره هفتم عدد و هفتاد و هشتاد  
کونا کوان و از قطره هشتم در من گوشت و از قطره نهم  
نامی نهشت و از قطره دهم عدد و هفتاد و هشتاد  
و در قطره نهم از انگشتان چپید از قطره اول در  
و از قطره دوم نقد و از قطره سیم و چهارم  
و از قطره پنجم و از قطره ششم عدد و هفتاد و هشتاد

در قطره نهم گوشتند هر سه بی حلیه سدیم کمتر

نوشته برانی ایشان از دست فرستاده بود و از قطره

سیستم هشتم صانع به غیر حلیه سدیم و از قطره بیستم

و از قطره بیستم حیوانان و از قطره نهم بر نه کان و از

قطره دهم خرد کان آفریده شدند و در قطره نهم

سیدید عکید از قطره اول عاشقان و از قطره دوم

عاشقان و از قطره سیوم شقیان و از قطره چهارم

و از قطره پنجم حیوانان و از قطره ششم جانوران و از

قطره بیستم حیوانان و از قطره بیستم و سیون و از قطره

نهم صابون و از قطره دهم کافور افزوده شده  
قطره نوزدهم از زبان مبارک یکبار از قطره اول  
نیک نجات و از قطره دهم کافور و از قطره سیم  
صابون و از قطره چهارم راضیان و از قطره پنجم  
صافقان و از قطره ششم متوکلان و از قطره هفتم  
مخلصان و از قطره هشتم مصفیان و از قطره نهم  
فراگران و از قطره دهم شاگران و ده قطره نورین  
از بهای مبارک یکبار از قطره اوایل شکر و از قطره  
دوم شکر و از قطره سیم عنبر و از قطره

بهار و بهار و از قطره خرم کاه و از قطره خرم کاه

یا قوت و از قطره خرم کاه و از قطره خرم کاه

و از قطره خرم کاه و از قطره خرم کاه

اوردید بهشت نرمان حضرت در رسید قلم باز با قلم کتب

علی با صحت بین الحی و الحی و الحی و الحی

باز قلم باز نرمان شد که با قلم کتب لا اله الا الله و قلم

بر لوح روین شد و هفتاد هزار سال این جمله که شسته

بشد بهشت نرمان شد که با قلم کتب قلم خرم کاه و قلم

حضرت محمد بن موسی در نرمان شد که با قلم کتب قلم

چون نام خود را در جنت و دشتی شد و از سر حد

نهاد و تا هزار سال در سجده ماند بعد از آن فرمان صادر

رسید که با قلم بر بردار قلم میرود داشت و حکم شد

که کاتب با قلم قلم داشت یا رب العالمین و این چه نام <sup>است</sup>

که ترا بر نام خود درجه او کردی حضرت خدا عزوجل

فرمود که ای قلم اگر نام محمد بنوری بهجت طبع زبان

و جنت آسمان و عرش و کرسی و روح و قلم نیاوردی

ای قلم اگر نام محمد بنوری خدا می خود را از قلم بر کردی

و کلام قلم بر روح روان است و بهجت و نور و جمال کلام

محمد رسول الله است بزرگوار

تمام کلمه نوشته شده باز فرمان شد که با تمام حلام

گرم این نام را قلم گفت السلام علیک یا رسول الله

حسین نور محمد در وجود نبوده جواب داد باز قلم گفت

بمقام دوستی نام خدای تعالی جواب ده پس بفرمود

دادند که علیک السلام خدا عطا برین کلمه زیاده مرید

گزار گفت رفته اند در برگاه و برزخی آن با قصد سانه

راه داده و درازی غرضها قصد کرده بود بعد قلم گفت

یا بار خداوند که جبرین بنور کمال از بدین تا نوری تو حید



بیاورند پس از آنکه غصای مبارزین را بکشند  
از آن بعد در جوار فرید و شادمانی آید و آتش را بپای  
و خاک بعد از آن زمان آمدنهای نور محمد و رحمت  
نوح در چیز آفرینیم این دیار را و در طاعت و الهی  
چرا که اختیار میکنی که به غیری و اشتغال کنیم پس  
من روان شد بر آن دست آید و دید که کعبه  
کرده که من گفت السلام که کسی می آید که  
حکایت السلام تو هستی تو من گفت که کی می آید  
تو کی می آید تو من گفت ای آید تو چه میکنی

این گفتار را که در این کتاب است  
 به هر که که در این کتاب است  
 گفتار و غیره در این کتاب است  
 و این کتاب را که در این کتاب است  
 و این کتاب را که در این کتاب است  
 و این کتاب را که در این کتاب است  
 و این کتاب را که در این کتاب است  
 و این کتاب را که در این کتاب است

و خدایت بندگی بپوش کرد نور من از آغاج روان شد  
و در باد درخت دید که در کبر و غلبه کرده میرود  
نور من گفت السلام علیک ای باد باد و در باد  
داد علیک السلام تو گیتی نور من گفت کی بنده  
خدای نوری و یکی بنده خدا منم نور من گفت ای باد  
تو چه کار میکنی باد گفت آنچه مرا در خدمت نور من  
بنده را خواؤ با مرا و کاری نیست بجز که در خودم  
عیب داری باد گفت ای نور خودم عیب شما  
نور من گفت تو بنده کز بنده ای و روی تو کس نه

ای پند باد گفت ای نوز محمد کز تو بی عیب بودی گفت  
استغفر الله بنده بر عیب است بی عیب خدا نبرد  
خداست نوز من گشت بگو که وعده لا شرعیانه  
و انتم لمان محمد اعبد و من سوله باو نیز  
خدا گشت و مسلمان شد و خدمت بدلی بنوا کرد  
نور من از انجی روان شد بر آتش رفت آتش  
دید که دیگر و عقیق کرده میرد و نوز من گفت  
استغفر الله ای آتش آتش گفت تو گیتی نوز  
من گفت گیتی بنده خدای تویی گیتی بنده خدایم

نور من گفت ای انش نور چه کار میکنی انش گفت  
الو مراد منست نور من گفت بنده را چه و یا مراد  
کار من نیست بجز که نور خود را وجه عیب دارم ای انش  
گفت ای نور تو چه عیب دارم نور من گفت گشته  
تو آب است و دولت تو باد است انش گفت ای  
نور چه مکر تو بی عیبی نور من گفت استغفر الله بنده  
پر عیب است ولی عیب خدایست عود خدای نور  
من گفت بگو که عیب خدای که شریف است و انچه  
ای محمد را عیب دارد و هر صوله انش نیز که گفت

همان وقت درختی بود که میوه‌های آن را  
بر میوه‌های دیگر می‌فروخت و می‌فروشان  
چون می‌فروشان را می‌دیدند می‌فروشان را می‌فروشان  
همان وقت درختی بود که میوه‌های آن را  
بر میوه‌های دیگر می‌فروخت و می‌فروشان  
چون می‌فروشان را می‌دیدند می‌فروشان را می‌فروشان  
همان وقت درختی بود که میوه‌های آن را  
بر میوه‌های دیگر می‌فروخت و می‌فروشان  
چون می‌فروشان را می‌دیدند می‌فروشان را می‌فروشان

که در آن روز اول و آخر اختیار کردم و هر چند  
که خدا بخواهد اینها را گرد و بعد از آن در میان  
حضرت رب العالمین عرض کرد که یا رب انزلت  
میدانی که من خاک را اول و آخر اختیار کردم بیشتر  
فرمود و صلی الله علیه و سلم که چو آدم بی غیر صلاوة  
الله علیه و سلم یا فرید آید و آتشش و بار و خاکش را بچند  
قسم جهان هر چهار را تخیر کرد و خدا را آن تخیر آدم علیه  
السلام را یا فرید و فرزند کن آدم صلوات الله  
و علیهم اجمعین چهار طبع حاکی میباشند بعضی آبی بعضی آبی

بدین چاکر بعضی اشقی پس طبع شناسی دارد  
و اندر وک نمیکه بودی اندر شکیر اندر وک شکیر  
اندر جو امر و احسان کند و رنگی رسانند و اندر  
و ک شکیر استی اندر بخین اندر و لیکن با سر و ته اندر  
و اندر خاکی اندر مسکین و عاقل اندر با تواضع  
و اندر نکون یا حیا بود و کسب و بی گینه و فقیر و صابر  
و قانع اندر پیغمبر صلی الله علیه و سلم فرمود هر که صفت  
آفرینش بود و در پیش خود و لقا دارد و خداست و  
نور است و دوم نور است و بخین و سوم نور است و نور



و چهارم کتاب فغان بخشید و یک کتاب زندگانی

اول ثواب جبرئیل دوم ثواب میکائیل سیدم ثواب

یسرا خلیل چهارم ثواب عزرائیل و ثواب هاشم و

حج در نامه اعمال او بنویسند و ثواب هفتاد هزار

شهیدان سپا به جوگند از دست کافران گشته باشند

هر که این نور نامه را بخواند یا در خانه خود نگاه دارد

از دنیا نرود و ما بختی خود و در بهشت نعمت دهد و در روز

روایتی صحیح است که این حدیث از زینب بنت

نعمه در روز مدینه از علی بن ابی طالب و مسلم بن الحنفی

پیش سلطان محمد غزنوی علیه السلام آورده اند

و این صفت آفرینش روزی صلی الله علیه

و آله السلام امام اجل و بانی دلی الهی امام محمد علی

رحمه الله علیه صفت است و نه در نود و نه نسخه

پیش او معتبر بود تا که در کتابها بود این صفت

آفرینش را نور محمد را یافتیم در مطالع میکرد و سخن

حال نشد و نیست که این نسخه را سلطان محمد

غزنوی برسانم پس این بدست یک درویش

فرستاد این معنی سلطان محمود را خبر رسانید

مخود به نهد و در راه با استقبال آمدند و کینه در آن

روز خلق بسیار حاضر بود که این لشکر را بدریدند

مشغولند و خوشحال شدند چون سلطان محمد

این لشکر را بدست آورد و شکرانه کرد و در پیش

را به برد و کین روی باین بوی دانه و دیگر از برای

و عوار است صراحت نمود و هر که سرقتند و با قصد داده

کام و بود و نیست و شکر بانی کرد و علما و مشایخ و فضیلت

جمع کردند هر یکی را دعوات و خلعت نامی حاضر

دادند و این صفت آفرینشش نور محمد مصطفی صلی الله

علیه وسلم در راجی شهر ولایت مدونی گردید

هم در آن شب رسولی علیه السلام را آوردند

و دیدند و پیغمبر فرمود ای سلطان چنانکه گفت

نور من دیده شد و شدی تو بهشت را خریدی

و بهای تو در قلعه است برکت صفت آفرینی

من ترا خدی بخواند هر که همیشه با خود دارد ایزد

کجا آن بنده را مرتبه آن بنده کمالی و شایسته

در شان ایشان فرموده است الا ان اولیاء

الله لا خوف علیهم ولا هم یحزنون

که در حدیث آن بندگان در آید شش که حق تعالی  
در شان ایشان فرموده است الذین یستمعون  
حسنة وادبروا عن الناس هم هم المومنین  
آفرینش و نور من بخورند که خوانند و ندانند نشنوند  
و اگر نشنوند و ندانند با خود و دارد با صدق و دل  
و اعتقاد درست خدا و یقین بندگان و اجدان  
نواستند که با که هم مومنان و زمان مومنان  
ربع مکتوب بوده باشد یعنی در روی زمین و کتب  
آسمان این ربع مکتوبی دل باشد که در شش

کودک در این وقت غایتی غایتی غایتی غایتی  
از کمال و نمود که با محمد بر هر که آن فرستاده شود  
باشد آن پند و اندرزات و رحمت خود را  
و چندان ثواب دهم اگر کسی بفرستد و هر سال  
بر بسته شود و روز در دعا و است ایستاده باشد  
هر روز و روز و روز و روز باشد و با کمال و هر  
کردن باشد و اگر ما خود دارد و میسر است از آن وقت  
و دشمنان بر روی کار کنند و هر که با خود دارد و در  
میان بهشت و اوج عجب باشد با محمد بر کمال

آفرینش گوید و در آن سال حساب با عمل بوده  
باشد و هزار نوشته با هزار تا از برای  
بنده استغفار کند و گنا بان آن بدهد و ازین  
آفرینش خواهند و دعا ایشان در حق آن بدهد  
اجابت کنیم یا محمد هر که صفت آفرینش را گوید  
و یا بر خود نگاه دارد آن بدهد و در این سال  
در پی حساب روزی که دامن و هر قفسه را بگذرد  
در بیت و بدهد که حساب او را خدای تعالی  
داند و از هر یکی در این قفسه بگذرد و او را بدهد

باش که حق تعالی و احد دیگر ازین جهان است  
و حال علیه السلام در میان ایشان میگفت صفت  
آزمایش این دوزخ مد حق که سیرایه من که خدا  
و ندیم بعضی را از خاک آفریده ام و طبع او خاک  
گرم باز در خاک پاک کنم و بعضی را از باد آفریده  
و طبع او باد کنم باز در باد پاک کنم و بعضی را از  
خاک آفریده ام و طبع او آب کنم باز در آب پاک  
کنم و بعضی را از خاک آفریده ام و طبع او آتش کنم  
و باز در آتش پاک کنم دیگر حق تعالی میفرماید که

۱۲۰



محمد را از کل خود آفریدم و سر محمد را از برگ است و

آفریده ام و چشم محمد را از عین آفریده ام و بینی محمد را

از عطر حنیت آفریده ام و گوشش محمد را از عطر

آفریده ام و لب محمد را از شبنم آفریده ام و دندان

محمد را از نور محمد آفریده ام و دلی محمد را از اخلاص آفریده

و بار خدای محمد را از قوت خود آفریده ام و خلق محمد را

از نشیمن آفریده ام و سینه محمد را از با قوت بنیست

آفریده ام و روده های محمد را از صبر آفریده ام و استخوان

محمد را از نور بدشت آفریده ام و قدم محمد را از عین

فرمود که در کمال سعادت و خوشبختی و در کمال  
عزت و سلطنت و در کمال دولت و در کمال  
دور و در کمال غایت و در کمال تمام خلق شود خدا  
چند و بستی کرد و از بزرگت این نور نامم چندان  
فرشتگان که در میان آمدند و بستانند و بفرستند  
تا آنگاه از خواب بیدار و در میان آمدند  
و بستانند و بفرستند و آن بیدار هر که باشد  
بفرستند تا آنکه از خواب بیدار و در میان  
آمدند و بستانند و بفرستند و آن بیدار هر که باشد

این بنده را اگر شش خواهند عفو خدای تواری صد  
پیغمبران روزی کند ثواب ذکر یا پیغمبر و یکی پیغمبر  
و حبیبی پیغمبر و ابراهیم پیغمبر و اسمعیل پیغمبر و اسحاق  
پیغمبر و یعقوب پیغمبر و موسی پیغمبر و هارون پیغمبر و ادریس  
پیغمبر علیه السلام و جده سید صدر و مسنوده و مرسل پیغمبر  
را ثواب روزی گرداند و ده هزار و در حدیث امام او  
در بهشت بنا کرد انهم و آن بنده را ثواب صد بار  
و همان چنان و انصار این روزی گردانم و چون  
آن بنده را زکوة خیر و حساب آن بنده روح روحی

و به عزت خدای فرموده در هم اگر جنگ و ان به خود  
بر یک پیمان و برکت در شفا و موسی جان به خود  
همه از این بید در گذارم و چشمهای آن بنده  
در وقت ترخ و در وقت آمدن کند و خواند  
کردم یا نعم هر که این صفت آفرینش بخواند  
خانه طاهر و در آن درو آید و خواند و آن  
خانه را آتش بخیزد و برکت در آنجا بسیار باشد  
این آفرینش را هر که در وقت دعا صیقل بخیزد  
اما بخیر کرده باشد که خوانده و شنونده و گوینده

آنکه آنجا رسیده الکی بر دست این نور پاک حضرت محمد  
مصطفی صلی الله علیه و سلم من غاص به با جمیع دست  
محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم در برده و علاج در  
از دبدار پاک منور و شفاعت محمد مصطفی در  
با نصیب کردانی و در زنا ترا شفاعت حضرت  
بی بی خاتمه الزهراء بی بی خدیجه کبری نصیب کردانی  
و از اینها می گویند کون کننداری و عاقبت ما را با  
جمع مسلمانان چون کردانی پسندد که همه بخت تمام شد

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

[illegible]

Handwritten text, likely a list or notes, written vertically on a piece of paper. The text is heavily obscured by noise and artifacts, making it largely illegible. The visible fragments suggest a list of items or names, possibly including "John", "Mary", and "James".



Handwritten text in Urdu script, appearing to be a letter or document. The text is heavily obscured by a large, dark, irregular ink blot or smudge in the center, which covers several lines of writing. The visible text is written in a cursive style typical of Urdu.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي هدانا لهذا

الذي كنا لنهتدي لاه

الحمد لله الذي هدانا لهذا

الذي كنا لنهتدي لاه

الحمد لله الذي هدانا لهذا

الذي كنا لنهتدي لاه

الحمد لله الذي هدانا لهذا

اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ  
وَعَلَىٰ اٰلِهِ الطَّاهِرِيْنَ وَوَعِدَتِهِ  
وَصَلِّ عَلَىٰ اَبْنَيْهِ اَبْنَيْكَ  
وَاَوْثَقِ اَمْلَاقِهِمْ وَوَالِدَيْهِ  
الْحَبِيبِ وَصَوْرَتِي سَكُنِي  
قَدِيْنِ النَّفْسِ مَلِكِيْ مُحَمَّدٍ وَخَلِي  
اَبِيْ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ وَسَلِّمْ

[illegible]

[illegible]

و در روزی که از روی او برآید و در روزی که از روی او برآید

و در روزی که از روی او برآید و در روزی که از روی او برآید

و در روزی که از روی او برآید و در روزی که از روی او برآید

و در روزی که از روی او برآید و در روزی که از روی او برآید

و در روزی که از روی او برآید و در روزی که از روی او برآید

و در روزی که از روی او برآید و در روزی که از روی او برآید

و در روزی که از روی او برآید و در روزی که از روی او برآید

و در روزی که از روی او برآید و در روزی که از روی او برآید

و در روزی که از روی او برآید و در روزی که از روی او برآید

و در روزی که از روی او برآید و در روزی که از روی او برآید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَكُونُ

لَهُ قَائِمِينَ يَا أَيُّهَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ هُوَ الْعَزِيزُ

الْحَكِيمُ يَا أَيُّهَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ هُوَ الْعَزِيزُ

الْحَكِيمُ يَا أَيُّهَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ هُوَ الْعَزِيزُ

الْحَكِيمُ يَا أَيُّهَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ هُوَ الْعَزِيزُ

الْحَكِيمُ يَا أَيُّهَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ هُوَ الْعَزِيزُ

الْحَكِيمُ يَا أَيُّهَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ هُوَ الْعَزِيزُ

الحمد لله

24

الحمد لله

يَا إِلَهَ الْإِلَهِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

يَا إِلَهَ الْإِلَهِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ إِبْرَاهِيمَ نَدُّكَ اللَّهُ

يَا إِلَهَ الْإِلَهِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَبِعَدَّتِ الْيَمِينُ

يَا إِلَهَ الْإِلَهِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا وَجْهَ الْكَرَامَةِ

يَا إِلَهَ الْإِلَهِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَزَّ وَجَلَّ اللَّهُ

يَا إِلَهَ الْإِلَهِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا قُدُّوسَ الْوَجْهِ

أَسْكَنْتَ مَسْكَنَكَ بِمَا أَسْكَنْتَ الْبَيْتَ

وَلَسْتَ بِمَسْكَنِكَ إِلَّا بِمَا أَسْكَنْتَ



و بگویند که ای پادشاه ما را از این  
 بلا نجات ده که اینها شراب و خمر  
 و قمار و کتک و کتک و کتک و کتک  
 و کتک و کتک و کتک و کتک

و بگویند که ای پادشاه ما را از این  
 بلا نجات ده که اینها شراب و خمر  
 و قمار و کتک و کتک و کتک و کتک  
 و کتک و کتک و کتک و کتک  
 و کتک و کتک و کتک و کتک  
 و کتک و کتک و کتک و کتک  
 و کتک و کتک و کتک و کتک  
 و کتک و کتک و کتک و کتک

[illegible]



لله على أي حسان وحب

لله على الفوقات ورحمة الله

التي هي علينا محمد بن عبد الله

والسليم ورحمة الله ربنا

لله على أي حسان وحب

لله على أي حسان وحب

لله على أي حسان وحب

لله على أي حسان وحب

[illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله رب العالمين  
 والصلاة والسلام على  
 سيدنا محمد وآله  
 وبعد  
 فإني أختص في هذا العمل  
 مع القريب والبعيد  
 على حب الله ورسوله  
 حباً واحداً  
 وخير من ذلك

2000-01-18

[illegible]



[illegible]

[illegible]

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰

[illegible]





[illegible]

رحیم پرستگار و دای حلیم پرستگار و دای قبول کننده  
توبه و عاصیان و دای پزیرنده توبه است نادان و دای چهارده هزار  
جفاکار و دای مدبر بزرگ جهان ملک اگر چه کسی تخطی  
ندارد عریضه رسیده ای از کبیر العاصی و نامش در توبه  
برخاستم و اگر کسی تخطی نماید در توبه او لاف میزنند  
و همه از زبان رانم و اگر توبه می طاعتی نیارم توبه  
حق انسان ضعیف و نادم برارم آنها از توبه گناهان  
و از هیچ چیزها از گشتن و گردیده و دیده و شنیده و آفرینش  
و رفتن و پویند و خوردن و آتش بسند و پویند و آتش  
را ندیده و پویند و آتش را ندیده و پویند و آتش را ندیده  
بالتوا



[illegible]

برادر علی بن پور شیرین مصباح نمودم خود شایع در کرام  
کرامت آن که دوم بهر حسن نف نام که دایم در دست او  
نیشی از جرم ای و اندک ضمایر ای بنده سر او را در  
هر کس است ای فریاد و سر بر در اندازد و از نفس اماره  
و در بازگذاشتن ده از شمشیر ای برمان و از شر او  
بر و ای کار از نو و شاد و کیش که ترا بر سر نه و نه و نه  
که ترا به کلام خداوند این محبت و در بنده که در حق  
ن و حق محبت عطا فرای و هر محبت خویش کردن و دوست  
نمودن و هر محبت چنان که پس در میان کردن این طریقی محبت  
در کلام از جمله محبت که گوش کن و این محبت بر عین نه نعم  
محبت در زمین زک بکار و در حق محبت بر آید آن در دست  
استوار از محبت کردن و بکار و در بکار و در بکار و در بکار  
و در بکار

[illegible]

[illegible]

مردان و جوانان این تعلق فرمای و از خلق صفی که بر آن  
و گرفتار گردیدم مگردان از روزی که بدلم بگری بایام شاد  
با کیم نگردی بسیار زدم لاف و ناخوشی دوست پس و این  
که بچشم بگردی با کرم تا کویین است بر خدا با چون از هر چه شاد  
سبب صانع خلق حاضر کرد و در جایگاه بیداری تا صبحان یکسایه  
موشان بچشم بگری و بستاند و بجا تا بر آن مقام  
و شواری و وشت امید واری و عالی بقراری از خلق بچشم  
رابطه و جبهه نگاه بر آن مردم که اند و در آن زمان من آن  
تبار بچشم بگری و بستاند و بجا تا بگری و بستاند باین  
و آخرین صفحت گنی و در میان بجا تا بگری و بستاند  
بچشم بگری و بستاند و بجا تا بگری و بستاند  
بچشم بگری و بستاند و بجا تا بگری و بستاند

منعم چون کلمه‌ی عام در دهر و سفر دریافت کثر از احباب  
یونان و یمنان کثر از طبعیاد از او کردان حفا چون حفا  
بقصد رسید و همانان به است پیوندند و در شوقی معشوق  
و صول ایام و در سرازیر ایلیان تا شنگ کردان و از حوان  
نعمه‌ی یایان و تا نوزده روزی کن و نوزده بطور و حلقه  
چکان و در بیع تا جیان که در فی اند علم و فو افقه و شانی  
این است جمع کردان و نوزده میل بچشان و مینای میجا ایست  
و نعت و در که در نعت است بقیه که ان و از نعت و نعت  
و با شوق و ذوق ثابت و قائم است و نعت و نعت و نعت  
با و نعت و نعت و نعت و نعت و نعت و نعت و نعت  
با و نعت و نعت و نعت و نعت و نعت و نعت و نعت  
با و نعت و نعت و نعت و نعت و نعت و نعت و نعت

وتمت بحمد الله العلي العظيم

والله اعلم بالصواب

الحمد لله الذي هدانا لهذا

ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

[illegible]



بجاء من است. يستعملهم لرازد و نیست منی  
که نویست است او صلی الله تعالی علیه  
و آله و سلم و نمانت منی فی جمیع عمری  
و منی انقل منوی الی القید بعد الکریم  
بعد منی بعدت بار ایضا الکریم و پانزده بار  
و نمانت منی خواند و بعد سدهم عد بار و در سده  
عالم فرستادید یکبار این دعا و قرأت کنید  
و یا سابع الفوق و یا سابع الفوق  
و یا سابع الفوق و یا سابع الفوق  
و یا سابع الفوق و یا سابع الفوق  
و یا سابع الفوق و یا سابع الفوق

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم (38)

سنة عار جیه کلا بر نیکی و نیت استیلا

بیاد و گفتن السلام علیک یا علی

الصلوات یا حی یا قیوم تسبیح

و بعد از آن درود بر سر سالار اولی دعار

و شصت و هشتاد و نه مرتبه در روز

نزد غیب که از پیشانی از تو بیجا میرسد

این در دعار هیچ بیجا میرسد و در هر روز

[illegible]

و در این روزی که کشتن باشد و بکشد و بکشد  
و در این روزی که کشتن باشد و بکشد و بکشد  
و در این روزی که کشتن باشد و بکشد و بکشد  
و در این روزی که کشتن باشد و بکشد و بکشد

و در این روزی که کشتن باشد و بکشد و بکشد  
(39) و در این روزی که کشتن باشد و بکشد و بکشد  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و در این روزی که کشتن باشد و بکشد و بکشد  
و در این روزی که کشتن باشد و بکشد و بکشد

و در این روزی که کشتن باشد و بکشد و بکشد  
و در این روزی که کشتن باشد و بکشد و بکشد

و در این روزی که کشتن باشد و بکشد و بکشد  
و در این روزی که کشتن باشد و بکشد و بکشد

و در این روزی که کشتن باشد و بکشد و بکشد  
و در این روزی که کشتن باشد و بکشد و بکشد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بیماری در دین و دین در دنیا  
زنده و غیر مرگ که باشد اینست و غیره



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الرحمن الرحيم

*(Faint handwritten Persian text, likely bleed-through from the reverse side of the page. The text is mostly illegible due to fading and orientation.)*

*[The page contains dense handwritten Persian script, likely a manuscript or letter, written in a cursive style. The text is arranged in several horizontal lines across the page.]*



[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين  
وآل بيته الطيبين الطاهرين  
الذين هم أئمة المرسلين  
والعالمين

الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين  
وآل بيته الطيبين الطاهرين  
الذين هم أئمة المرسلين  
والعالمين  
وآل بيته الطيبين الطاهرين  
الذين هم أئمة المرسلين  
والعالمين

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰

خود را چنانکه بگوید در از انوار برود و چار و چو  
که از انوار شریف با بدست او نشسته و در میان  
چو بیدار گردد و از آن است که طبعش فراموشی با قوت  
مردود و فرعون ها مانع شده و بیدار را از حق  
و بیس این بر دولت نیست و در آن نماند و خفت  
و در مدد بدست بر کوه با جوی بر بر کوه  
با صد کاهیک و بر با عجز را نماند و بر رفت با از اقبال  
و در میان از انوار جوی و بنویس و صد و دوی  
صفت انوار و رسم موهله بنویس از اجزاء  
بیاید و دوی بدست از انوار شریف  
و در میان از انوار جوی و بنویس و صد و دوی

[illegible]

CCCCSSA

1420

در این مقام از بیوان نعم در قفسه کور نام غنی باشد  
در این مقام از بیوان نعم در قفسه کور نام غنی باشد  
در این مقام از بیوان نعم در قفسه کور نام غنی باشد

انجمن و نهادهای تربیتی و فرهنگی در سال ۱۳۸۸

و حق می گویند که در هر روز و در هر حال که می توانی

مجلس شورای اسلامی ایران

والتقى به في يوم الاثنين من شهر ربيع الثاني سنة ١٢٩٥ هـ

(49) ...

بسم الله الرحمن الرحيم

34741422

الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم

وَحَالِيكَ السُّهُوَةُ وَالْأَرْحُومَةُ سُبُلًا لِيَتَخَذَ  
لِيَاوُدَ وَأَنْتَ خَيْرٌ إِلَيَّ مِنْ لَيْلَى وَنَهْشَةَ  
عَدَا وَخَلْقِكَ وَغَفْوَتِكَ يَا وَهَّاشَ عَيْنِي  
خَلَقْنَا إِيَّكَ خَلَقْنَا إِيَّاكَ خَلَقْنَا إِيَّكَ مِنْ  
طِينِ الْأَرْضِ يَا تَعَشِيرَ الْحَبِيبِ يَا أَنْسَبَ  
إِنْ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تُنْفِقُوا مِنْ مَوَارِفِ  
وَالسُّهُوَةِ وَالْأَرْحُومَةِ وَالْأَرْحُومَةِ وَالْأَرْحُومَةِ  
وَالْأَرْحُومَةِ وَالْأَرْحُومَةِ قَبَائِلَ الْأَرْحُومَةِ  
يَا تَعَشِيرَ وَالْأَرْحُومَةِ وَالْأَرْحُومَةِ  
يَا أَحْمَدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
اِنِّي دُعَاؤُكَ بِأَعْيُنِ دُلِّي بِأَعْيُنِ دُلِّي بِأَعْيُنِ دُلِّي  
يَعْنِي دُلِّي بِأَعْيُنِ دُلِّي بِأَعْيُنِ دُلِّي بِأَعْيُنِ دُلِّي  
رُخ بِأَعْيُنِ دُلِّي بِأَعْيُنِ دُلِّي بِأَعْيُنِ دُلِّي بِأَعْيُنِ دُلِّي  
مَرْضَانِ دُلِّي بِأَعْيُنِ دُلِّي بِأَعْيُنِ دُلِّي بِأَعْيُنِ دُلِّي  
اِنِّي دُلِّي بِأَعْيُنِ دُلِّي بِأَعْيُنِ دُلِّي بِأَعْيُنِ دُلِّي  
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ  
لَهُ الْفَاوَاخِدُ أَحَدٌ صَدَقَ فِيهِ اللَّهُ  
يَعْنِي صَادِقَةٌ وَالْأَوَّلُ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ  
لَهُمْ اللَّهُ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نَفْسِي وَرَبِّي بِمَنْ أَسْتَعِثُّ عَلَى أَهْلِي

مَا أَرَاؤُهُمْ بِمَنْ يَدْعُوهُمَا أَنْطَلِي رُبِّي

اللَّهُ الْمَدِينِي لَا مَشْرُوكَ لَكَ إِلَّا مَا أَمَرَ

أَكْبَرُ الْبَرِّ أَعَزُّ وَأَكْبَلُ عِبَادِ خَائِفِي

وَمَنْ خَشِيَ اللَّهَ جَاءَ إِلَى أَشْوَاقِي مَتَى

مَتَى أَفِيضُ مِنْ مَشْرِقِ كُلِّ مَشْطَاوِي جَلِي

وَمَنْ كُلُّ حَبِيرٍ عِنْدِي فَإِنْ تَوَلَّى فَقُلْ

مَنْ مَعِيَ إِلَّا إِلَهُ الْأَهْوَى عَذِيبِي

نُورِي وَمَنْ رُبِّي أَعَزُّ وَأَكْبَلُ عِبَادِي



لَيْسَ لَكُمْ إِلَهٌ إِلَّا اللَّهُ وَالْحَيُّ الْقَيُّومُ

لِيُخْشِيَ اللَّهُ الْمُتَّقِينَ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ

الْقَاطِمَةُ الْمُصْطَفَى الْكَافِي

وَالْبَاقِي الْمَظْهُورُ وَالْبَاقِي

يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ

يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ

يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ

يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ

کتاب فی الفی فی تاریخ فی تاریخ

بسم الله الرحمن الرحيم مقولست انک عظم

جهدنا فی قطب المشرق عبدل فی دانه فی تاریخ

قدس الله له العزیز فرموده اند و بلکه مبارک پیش

بسم الله الرحمن الرحيم عید به سطور است به تاریخ

عظم هر فرموده اند که نرزد اول هر که ای اسم

را بخواند یا نرزد عظم به اند هر عظم به نرزد

بدان هر فرموده اند او را در عظم به نرزد

بدان هر فرموده اند او را در عظم به نرزد

کار او بینی و بنویس او بر آید و است در دم و کلان بود

نما فلان جمع ملاح او لاشا و در کلان و کان بر بد

بسته بود از دست بر اسم است لبم ابرو و صلی لبم

الهم انت همی انا و احسن و خیر

و لی کوین و خیر و خیر و خیر و خیر

عز و عد و فاء و کس و فاء و کس و فاء و کس

موت و موت و موت و موت و موت و موت

یا ابرو و خیر و خیر و خیر و خیر و خیر

بسم الله الرحمن الرحيم  
استدفع نامه حضرت امیر المومنین علی  
کرم الله وجهه علیه السلام از وی که ایشان برده  
نویسند بایر خود نگاه دارند و بایر خود بخوانند و هر که  
ای بایر بخواند و یاد نگاه دارد صد بار  
او را در آمانی و آلاء و رحمت استدفع فرست  
باشد و در غم بزرگ و کرب و غم بزرگ و غم بزرگ  
و در غم بزرگ و غم بزرگ و غم بزرگ  
در روز و در شب و در هر روز و در هر شب  
و تمام عذاب را از او و آمانی و در غم بزرگ



دانشگاه ملی افغانستان

آتش بماند و زبان حیات را در میان

وہم انہماک سے لکھ رہا تھا۔

فصل فی بیان احوال و حال

الاصحاح الثاني في تصنيع واخلاق

بَلِّغُوا رِسَالَتِي وَأَقْرَبُوا إِلَيَّ

و یا حاجات و گنجینه های موعود علی و آله

وَأَمَّا حَيْثُ لَا غَيْرَ فَيُطْلَقُ كُلُّ

مَقْلُوبٌ وَمِنْهَا فَيُحْمَلُ كُلُّ عَمَلٍ لِيُشْرَكَ بِهِ

سُبْحَانَكَ يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ  
لَا يَمُوتُ مَشَاءُ قَائِمٌ لَمْ يَخْلُصْ رُكْنِي  
وَالْمُتَمَرِّدُ يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ وَكَأَنَّ  
عَالِيَهُ الْعِزِّ وَالْمُتَمَرِّدَاتِ وَكَأَنَّ  
اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَكَأَنَّ  
وَأَصْحَابُ بَيْتِهِ بِرَحْمَتِهِ  
مِنْ اللَّهِ الرَّؤُوفِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ يَا مَنْ عَلَيْنَا قَدْ أَدْفَعَ  
عَنَّا كُلَّ أَمْنٍ يَا مَنْ وَفَّقَ لِبَيْتِهِ  
يَا مَنْ رَحِمَ لِبَيْتِهِ وَشَفَعَ لِبَيْتِهِ  
وَأَعَانَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَاللَّهُ يَتَّبِعُكَ مِنْ  
فِي الْقُبُورِ وَسَلَامٌ لَنَا  
عَلَيْكَ أَهْلَ الْبَيْتِ  
بِالْحَرَمِ الرَّحِيمِ

ARCHIVAL CELL

Dr. Zakir Husain Library  
11001, New Delhi-110025.

MANUSCRIPT

ابو عبد الله بن نوح بن عبد الله بن محمد بن  
 الحسين بن علي بن ابي طالب بن عبد المطلب

اسماء بنت عميس	الزبير بن العوف	الوليد بن عتبة
الوليد بن عتبة	عبد الله بن جابر	عبد الله بن جابر
عبد الله بن جابر	عبد الله بن جابر	عبد الله بن جابر
عبد الله بن جابر	عبد الله بن جابر	عبد الله بن جابر

